



تاکی بسنگ میکوبی پیکرم را
پر خون میکنی این زیبا سرم را
جرم چیست جز آنکه آزادی خواهم
هیچ نمی نگری چشمان ترم را
بزن بکش، بزنجیر نا مردمی بند...
تا نبینی در زمین، تو دیگر اثرم را
من زنم، دخترم، خواهرم، مادرم
جدا کن با تبر تو خود سرم را
جفا کار، خودخواه، بی مروت، بیوفا
بکوب سنگ، فرو برد خاک کمرم را
شلاق نا مردمی بکوب بتن لرزانم
لبریز اشک و خون کن ساغرم را
آسمان سنگ ببارد بر این قانون تو
با نا مردمی بکش زیبا دخترم را
در خلقت ما و تو با هم برابریم
باز میجویی نکته های کمترم را

مهر و محبت، عشق و صفا در منست
در خاک میکنی دامن مرد پرورم را
نیک دانی پروازم سوی آفتاب است
ز این رو میبندی بزنجیر تو شهپر را
زمروت دور است سوما گر خاموشی تو
با خون سرخم بنویس بتاریخ خبرم را

سوما کاویانی

2011/06/01